

## تاریخ ادیان ابتدایی و قدیم

● بخش علمی قنبری

عضو پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی

که به طور مشخص و منسجم و تعریف شده، نشانی از آنها باقی نمانده است. هر چند که عناصر اصلی آن ادیان بعضاً با تغییر و گاه حتی بدون تغییر در جوامع پیشرفته به حیات خود ادامه می‌دهند. این ادیان شاخصه دیگری نیز دارند که عبارت است از این که مردمان ابتدایی به مفهوم «خدا» (یا هر واژه‌ای که مبین مؤلفه و میزات نیروی متعال باشد) دست نیافته و آن را نمی‌شناختند و نمی‌توانستند نیروهای پنهان و موجود در تمام موجودات را به یک موجود یا موجودات مشخص نسبت دهند. از این جهت به سهولت می‌توان نتیجه گرفت که پیروان ادیان ابتدایی به نیروهای مختلف در طبیعت معتقد بودند که آنها می‌توانستند به نفع یا به ضرر آنان وارد عمل شوند. مراد از ادیان قدیم، دین‌های مردمانی است که برخلاف ادیان ابتدایی به مفهوم خدا رسیده بودند ولی هنوز خویشکاری‌های مختلفی را به خدایان مختلف نسبت می‌دادند. به تعبیر دیگر ایشان توانسته بودند نیروهای مورد پرستش دوره ابتدایی را به خدایانی تبدیل کنند که در آسمان به سر می‌بردند و مظاهری در میان مردم داشتند. به علاوه گفته می‌شود که این ادیان، دین‌های تمدن‌های منقرض شده است که در میان آنان پلی تیزم (Polytheism) رایج‌ترین اندیشه در باب خدا بوده است هر چند که رب الاربابانی (Henotheism) نیز در برخی جوامع رواج داشته است.

ادیان پیشرفته در یک کلام به ادیان کشورها و تمدن‌های پیشرفته و جدید گفته می‌شود که عمدتاً در باب مفهوم خدا به توحید (Monotheism)، اصالت وحدت (monism)، دوالیسم (dualism) و تثلیث معتقد بوده و هستند.

از میان ادیان یاد شده، دین‌های ابتدایی موضوع اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد که در کتاب مورد نظر به تفصیل مورد توجه قرار گرفته است. واقعیت آن است که در حوزه ادیان ابتدایی کتابی درخور به زبان فارسی وجود ندارد که بتوان از آن به عنوان یک اثر تحقیقی یا آموزشی یاد کرد. هم در حوزه آموزش و هم در تحقیق با کمبود منبع مواجه هستیم. به ویژه در حوزه آموزش که



■ تاریخ ادیان ابتدایی و قدیم

■ جمشید آزادگان

■ تهران سمت، ۱۳۸۴

تقسیم‌بندی مختلفی از ادیان جهان صورت گرفته است. تعدد این تقسیم‌بندی‌ها به سبب تعدد معیارهای تقسیم‌بندی است. برخی براساس تاریخ، بعضی براساس پیروان و گروهی نیز زنده بودن ادیان را ملاک تقسیم‌بندی قرار داده‌اند. بنابر یکی از این معیارها ادیان به سه نوع ابتدایی، قدیم و پیشرفته تقسیم شده است. این که این معیارها درست است یا نه موضوع بحث این مقاله و مجال نیست. مفروض نگارنده آن است که چنین تقسیم‌بندی درست است و براساس آن به بررسی موضوع حاضر می‌پردازد. وقتی سخن از ادیان ابتدایی به میان می‌آید مراد ادیانی است



نام لولو زندگی می‌کردند که بقایایی از توتمیسم هنوز در میانشان رایج است. نام خانواری آنان برگرفته از درختان یا جانورانی است که اغلب بسیار قدیمی و نیاکانی‌اند. مثلاً نام یک خانوار «بولوه بو» است که نامی باستانی و به معنی بالنگ است. بالنگ را امروزه سایو می‌گویند. سؤال معمول برای جویا شدن نام کسی متعلق به خانواری، چنین است: «چیست آنکه لمسش نمی‌کنید؟» که جواب معمولاً چنین است: «ما بالنگ را لمس نمی‌کنیم.» یا، «ما به سایو دست نمی‌زنیم».<sup>۱۴</sup>

۶- انگلستان. توتمیسم گذشته انگلستان - ایرلند، ولز، اسکاتلند، و دیگر نقاط و جزایر آن نواحی جغرافیایی از لابه‌لای عقاید و اعمالی باید یافت شود که نیمه دینی یا شبه دینی باشند مثلاً در ناحیه کوفه‌مارا، و جزایر دور از کرانه غربی ایرلند، بومیان نام خود را کوبیلی نهادند و مدعی‌اند که نسب از کلانی به همین نام می‌تواند افراد کلان مذکور، بومیانی قدیمی از ناحیه جاکونات بودند. این چون هتاکیان قابل هستند گمان دارند که خون خوک در رگ‌های بومدارند.<sup>۱۵</sup>

۷- ایران. این نام بسیار نومی ما قبل تاریخ. در ادوار ما قبل تاریخ ایران، توتمیسم وجود داشت. اثبات این مدعا از اساطیر ما قبل تاریخ ایران، سرزمین، و بعضی نکات دیگر برمی‌آید. در آن زمان، به اقتضای توتمیسم، کسان بسیار به نام‌های جانوری نامیده می‌شدند. کورگین، احتمال می‌رود که اسامی چون ساسانه، کورسجه، زادشت، به معنی زرداشتر، در ماقبل اسلام، و ستره‌لی، کلب علی، گرگ علی، قوچ علی، در دوره اسلامی، بقایایی از اسامی توتمی را برسانند.<sup>۱۶</sup>

ابتدایی‌ترین و فراگیرترین مراسم توتمی قبایل، به صورت گروهی است که مؤلف در ادامه به بیان ویژگی‌های آن پرداخته که چنین است:

- ۱- رابطه پنهانی و رمزی انسان ابتدایی و قبیله وی با گونه‌هایی از انواع جانوران و گیاهان است (توتم پرستی)
- ۲- توتم‌ها مایه و موضوع مراسم پرشور و آیین‌های پرستشی خاصی هستند. این مراسم و آیین‌ها تعیین‌کننده چگونگی روابط اجتماع قبیله با یکدیگر و با توتم است.
- ۳- رعایت اصل تابو.
- ۴- نام و نسب توتمی قبایل، غالباً پدرتباری یا مادرتباری است.<sup>۱۷</sup>
- ۵- انتخاب توتم قبیله، غالباً براساس اساطیری.
- ۶- اعتقاد به این که توتم جد اعلائی جامعه توتمی است.
- ۷- نگهداری نام و نشان، نماد، و سمبول‌ها و رعایت تابوهای مربوط، از الزامات حتمی گروه توتمی است.
- ۸- دفاع از اعضای جامعه توتمیستی و رعایت حرمت زناشویی

می‌دهد. اعضای قبیله خود را خویشاوند توتم می‌دانند و بسیاری از قبایل بنا به اساطیر خود، توتم را جد اعلائی قبیله می‌انگارند و به نام آن توتم شناخته می‌شوند. وقتی موجودی در این حد اعلا باشد، آن را نمی‌آزارند، نمی‌کشند، نمی‌خورند، و هر چه از دید آنان توتم را خوش نیاید عملی تابویی است که از آن دوری می‌گزینند. در بعضی قبایل حتی لمس توتم، بر زبان آوردن نام آن، یا نگاه کردن به آن را گناهی تابویی می‌انگارند. اما اگر برابر رسم و قرار قبیله، قرار باشد که توتمی را در فصل یا روز معینی ذبح کنند و گوشت آن را به رسم تیمن و تبرک بخورند، پیش از ذبحش، از آن بخشایش می‌طلبند.<sup>۱۸</sup> مؤلف در ادامه این مبحث به بررسی نمونه‌هایی از جوامع توتمیست پرداخته است که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: توتمیسم‌های گوناگون جهان

۱- استرالیا. در این کشور تا سال ۱۸۶۰ نمونه‌های از جوامع ابتدایی وجود داشت که دانشمندان برای درک وضعیت دینداری انسان‌های نخستین به بررسی آن پرداختند و نظریاتی مطرح کرده‌اند که در کتاب حاضر مورد توجه قرار گرفته است. جایگاهشان نزدیک به دریاچه آیر در جنوب استرالیا بود. همسرهای بی‌بارندگی و بی‌بهره از حداقل رطوبت هوا.<sup>۱۹</sup>

۲- ملانزی. این جوامع تا اوایل سده بیستم وجود داشتند. بومیان پایند به دین توتمیستی بودند و مردم سالیان به نسبت و ضبط آن پرداخته‌اند. در ملانزی چندین قبیله بود که به قبایل قبایل دیگر جهان، در درون خود به کشتن‌های مشترک می‌شدند. همه کلان‌ها دو گروه توتم اصلی و فرعی، و به تعبیری توتم کوچک و بزرگ داشتند. جالب است که توتم‌های بزرگ موجودات خشکی بودند مثل مار، سوسمار، شترمرغ و سگ. توتم‌های کوچک، موجوداتی آبی بودند مانند ماهی (مربع شکل)، کوسه ماهی و لاک‌پشت سبزین لاک، و پستانداری دریایی به نام دوگونگ. گاه چندین کلان یک توتم مشترک اصلی و چند توتم فرعی را داشتند. علامت مشخصه آنها سه چیز بود. داغ توتم بر بدن‌ها، خال توتم بر پشت و سینه و بازوها، و نقش توتم بر اشیاء و متعلقاتی که می‌شد توتم را بر آن نقش کرد. این توتمیست‌ها پدر تبار و برون همسر بودند. اما می‌شد کسی تغییر توتم کلانی هم بدهد که به نوعی تغییر مذهب شباهت دارد.<sup>۲۰</sup>

۳- امریکایی سرخپوستی. توتمیسم‌های بزرگ و مهم سرخپوستان آمریکا سه گروه عمده هستند: آنگون، کوبین، اوجیب وی و ایراکوری<sup>۲۱</sup> و نویسنده در این باب نیز توضیحاتی داده است.

۴- افریقای سیاه. عمده توتم‌های بومیان سیاهپوست این محل جانوری و اندکی هم گیاهی است؛ مثل سگ، طوطی، گاومیش، و پلنگ؛ و نیز نخل شیرهدار، بارهنگ و ساقه غله.<sup>۲۲</sup>

۵ - چین. در قسمت‌های غربی چین بومیان کوه‌نشینی به

نظریه دیگر مطرح شده در کتاب نظریه اسمی توتمیسم است که پردازنده آن آلفرد کورت هدون مردم‌شناس انگلیسی است. برابر این نظریه، قبایل کوچکی از مردمان ابتدایی در نزدیکی یکدیگر، زندگی می‌کردند. هر قبیله حیطة معینی را از آن خود کرده بود و از جانوران و گیاهان به چنان فراوانی رسید که مازاد را به قبایل دیگر دادند و مبادله پایاپای کالاهاى جانوری و گیاهی میانشان امری عادى شد. همین امر در درازمدت، مقررات، قیود، و رعایت‌های قراردادی را موجب گردید. هر قبیله به نام فرآورده‌های خود شناخته شد. آن قیود تابویی و آن نام‌های جانوری و گیاهی، رفته رفته توتمیسم را به وجود آورد.<sup>۲۳</sup>

در حوزه روان‌شناسی نیز صاحب نظران زیادی نظریاتی مطرح کرده‌اند که مهم‌ترین آنها زیگموند فروید است. نظریه فروید از حیث سوالاتی که طرح کرده، اهمیت زیادی دارد. فروید در این زمینه نظریه‌ای طرح کرده است که به شرح زیر است: «توتمیسم این است: «پدری خشن و جسور و مادران هار و بسوای خود نکه می‌دارد، و پسران را که به پدرش شباهت دارند می‌کشد و طرد می‌کند» پس تا این جا انحصارطلبی توتمیسم را به وجود آورد.<sup>۲۴</sup>

فروید در کتاب «توتمیسم» به ویلیام هالزی ریزور است که نویسنده کتاب «توتمیسم» است، اشاره کرده است: «نظریه توتمیسم ریزور در این است که توتمیسم ناشی از رابطه است - اجتماعی یا معیشتی، بین پدر و پسران است. از دیدگاه اجتماعی یا معیشتی، نیاز طبیعی قبیله به پسران برای برپاى محلی است که توتمیسم‌هاى آنها شده‌اند. ازدواج این پسران برون همسری است.<sup>۲۵</sup>

بوتس در این موضوع معتقد بود توتمیسم در هر جای دنیا محتوایی متفاوت با جای دیگر دارد. پس وی نمی‌پذیرد که توتمیسم منشأ واحدی برای همه اقوام و ملل داشته باشد و به نظر او این تصویر ساخته مردم‌شناسان است. پس بوتس تحویل به واحد کردن آن همه کثرت‌ها را خلاف واقع می‌داند. وی حتی برون همسرگزینی را از لحاظ منطقی و تاریخی، مقدم بر توتمیسم می‌داند. توتمیسم را نوعی رابطه انسان و طبیعت اعلام می‌دارد، و فهم چگونگی آن روابط را در اساطیر و آیین‌های بومیان می‌یابد خلاصه این که توتمیسم نمی‌تواند مقدم بر نظام اجتماعی باشد. دوم آنکه توتمیسم، نوع خاصی از وجه تسمیه تباری است که اقوام بدوی بدان طریق از یکدیگر متمایز می‌شوند.<sup>۲۶</sup>

ریموندفرت، مردم‌شناس معاصر انگلیسی، در این باره می‌نویسد که در پولینزی به بعضی از جانوران احترام می‌گذارند. از هر عملی که منجر به کشتار، آزار، یا بی‌حرمتی به آنها بشود به شدت می‌پرهیزند. همین پرهیزها از سوی و احترامات از سوی دیگر، پس از صدها سال گذشت زمان، رفته رفته به صورت آداب

با اعضای کلان.  
۹- حمایت توتم از اعضای قبیله (راهنمایی آنها، کمک مستقیم، حل مشکلات آنها، خبر از آینده).

۱۰- آزار نرساندن توتم به اعضای جامعه توتمی و تنبیه کسی که به آن آسیب برساند.

۱۱- عکس توتم را بر اسلحه خود نقش، یا بر بدن خود خالکوبی می‌کنند.

۱۲- گریه و زاری در مرگ توتم

۱۳- به جان توتم سوگند می‌خورند تا صدق مدعای خود را نشان داده باشند.

۱۴- نام گروه‌های توتم‌گرا، مستقیم یا غیرمستقیم، از توتم گرفته شده است.<sup>۱۸</sup>

مؤلف پس از اینکه وضع جوامع آنیمیستی و توتمی را بررسی کرد، به بررسی تحقیقات و نظریات ارائه شده در این زمینه پرداخته است. در ۱۷۹۱ نخستین بار واژه توتم را لایبگ، نویسنده آلمانی در سفرنامه خود به کار برده است، پس از او توتم در نزدیکی به نام پیترجونز، نخستین گزارش خود را در این باره منتشر کرد. اختصاص به توتم پرستی سرخپوستان آمریکایی می‌دهد. وی یکی از بومیان تحصیل کرده قبیله اوچیک می‌نامید که به مسیحی شده، با هیتی از مبلغان دین مسیحی برای تبلیغ مسیحیت به آن قبیله رفته بود. خدمت وی به قبیله اوچیک در تاریخ آن قوم بی‌سواد را نوشت، که پس از درگذشت او چاپ و منتشر شد.<sup>۱۹</sup>

پس از تاریخچه نظریه‌های مکاتب مردم‌شناسی غربی، توتمیسم از آغاز تا قرن بیستم در این قسمت طرح شده است. مؤلف ابتدا نظریه فریزر را مطرح کرده است که احترام ناشی از ترس عامل تقدس برخی حیوانات و گیاهان شده است.<sup>۲۰</sup> فریزر علاوه بر نظریه پیش گفته، نظریه مکملی را مطرح می‌کند.

مبنی بر اینکه منشأ توتمیسم نوعی «تعاون جمعی» است.<sup>۲۱</sup> اساس این نظریه، ناآگاهی بومیان آروناتا از دخیل بودن مرد در آبستن شدن زن است. این فکر را بیشتر این واقعیت تقویت می‌کند که بین آمیزش جنسی زن و مرد و احساس بارداری زن یا زایمان او فاصله‌ای چند ماهه می‌افتد.<sup>۲۲</sup>

در قبیله آروناتا باوری وجود دارد که با نظریه آبستنی جمس جورج فریزر که هر زن بارداری در این قبیله باید یادش باشد که به محض اولین احساس بارداری بدانند کجا بوده، به چه چیزی نگاه می‌کرده، یا چه در دستش بوده، یا چه می‌خورده هماهنگ است.

همان، توتم بچه‌ای خواهد شد که در شکم دارد. پس از تولد و رسیدن به سن تشخیص، آن مادر باید به آن بچه بگوید که توتمش چیست و این کار توتم پدر تباری و مادر تباری را منتفی می‌کند.<sup>۲۳</sup>



تحلیل مفاهیم ذهنی خودشان می‌داند نه شناخت واقعیت‌های عینی.<sup>۳۳</sup>

پریچارد برای عینی شدن نظریات و تحقیقات پیشنهاد می‌کند که لازم است از نتایج خاص، نتایج عام به دست آوریم. مثلاً نباید گفت دین چیست؟ بلکه باید بگوییم خطوط کلی دین معینی مثلاً در فلان منطقه چیست؟ بعد باید این خطوط کلی را به دست آورد و این خطوط را با مردمی که مشترکات زیادی با آنها دارند، مقایسه کرد. در این صورت است که می‌توان به ویژگی‌های مشترک میان دو دسته از مردمان پی برد.

پریچارد چنین روشی را برای شناخت جامعه توتمی نیز به کار می‌برد و این بار مشترکات قوم فوئر با بعضی جانوران را بررسی کرده، به وجود رابطه میان آنها پی می‌برد. البته اقوام در این زمینه تفاوت‌های زیادی با هم دارند یعنی ممکن است قومی با حیوانی مشترکاتی نداشته باشند و قوم دیگری با حیوانات دیگری.<sup>۳۴</sup>

روش نظر است که برخی اقوام با نام حیواناتی شناخته شوند. بنابراین از نظر او تعبیر و تفسیر رابطه میان توتم و افراد آن در هر جامعه‌ای می‌توان یافت که جانور توتمی فقط همان حیوان است.<sup>۳۵</sup>

باید و نقد کرد که این روش‌ها در حوزة انسان‌شناسی است که به زبان فارسی کتابی درخور، در حوزة انسان‌شناسی در ایران به فارسی ترجمه و تألیف نشده است. به تعبیر دیگر، کتابی که محصول تحقیقاتی گسترده باشد و در عین حال از روش‌های آموزشی نیز برخوردار باشد وجود ندارد یا دست کم نگارنده با آنها آشنا نیست. از این رو اثر حاضر در میان آثار تألیفی به طور دقیق اثر ارزنده‌ای است و در میان آثار ترجمه شده نیز از کلیت و تنوع موضوعات مناسبی برخوردار است. با وجود این درباره این اثر چند نکته قابل ملاحظه است.

(۱) اسم کتاب با بخش قابل توجهی از مطالب کتاب کاملاً ناسازگار است. نویسنده عنوان «تاریخ ادیان ابتدایی و قدیم» را برای اثر خود برگزیده است در حالی که رنگ غالب کتاب نظریه‌پردازی است. به تعبیر دیگر مؤلف به بررسی نظریه‌های جامعه‌شناسان و بعضاً سایر رهیافت‌ها درباره ادیان ابتدایی پرداخته است تا گزارش وضع این ادیان. خواننده به هر جای کتاب بنگرد درستی این ادعا را تصدیق خواهد کرد.

(۲) کتاب در عین این که برای اهل دانش بسیار مفید است، خالی از خشویات و زواید نیست. مطالب بی‌ربط و تکراری در کتاب غیرقابل اغماض است. کافی است برای نمونه به صفحات ۵۱، ۵۸ و ۶۴ نظری انداخته شود که به موضوعات مطرح شده در آنها ربطی ندارد.

و رسومی واجب الرعايه در میان آن بدویان درآمده که فرت دلیلش را دو چیز می‌داند:

۱- این مردم نسب آغازین خود را به یک نیای بزرگ می‌رسانند، یعنی چیزی که در اساطیر اولین بسیاری از توتمیست‌های جهان مشهود است.

۲- این خدا یا خدایان در جسم جانوران معینی تجسد می‌یابند. احترام به جانوران توتمی ناشی از همین تجسد است آنان فقط به صورت ظاهر آن حیوانات خاص، خود را به قبیله نشان می‌دهند.<sup>۳۸</sup> الکین توتمیسم استرالیا را با شک و تردید علمی طی سالیان دراز بررسی کرد و متوجه شد که حتی اگر آن را تجزیه کند و به اعتبار نمودهایی که در هر محل دارد تقسیم نماید، باز چیزی نیست که قابل انکار باشند. ناچار توتمیسم را واقعیتی موجود، ولی متنوع، اعلام نمود که در همان تنوعش نیز وجوه مشترک می‌توان یافت و در نظریه خود به سه اصل فرم، معنا و کارکرد توجه کرد.<sup>۳۹</sup>

ردکلیف براون درباره توتمیسم بر این نظر است که توتمیسم نوع خاصی از روابط است که انسان با طبیعت دارد. کار او برقرار می‌نماید. این روابط سرانجام، تشریفاتی، مناسباتی و عینی می‌شوند به گونه‌ای که تخلف از آنها جرم یا گناه محسوب می‌شود و متناسب با هر جرم یا خلافی، جریمه یا کفاره‌ای در نظر گرفته می‌شود. لذا توتمیسم، خود مقوله‌ای در نظریه روابط آیینی شده باید بوده باشد و نه همه آن.<sup>۴۰</sup>

طبق نظریه توتمیسم مالینوسکی، انسان همیشه سابق بوده است که انواع جانوران و گیاهان و چیزهای مفید خوردنی را کنترل و تکثیر کند. این اشتیاق کم کم به پیدایش دو باور در انسان ابتدایی منجر شد: یکی، باور به نیروی خاصی در آن گونه‌های جانوری و گیاهی که انسان ابتدایی قبیله‌زی همواره خواسته است خود را به آن متصل کند؛ و دیگری باور به وجود وجوه مشترک میان خود و آن گونه‌ها.<sup>۴۱</sup>

فورتیس نظریه خود را بر اصول روان‌شناسی اجتماعی پایه‌گذاری کرده و می‌گوید طبق اساطیر تالنتی‌ها جانور توتمی تنها یک جانور ممنوع نیست که باید محرماتی را در قبالتش رعایت کرد جانور توتمی به منزله نیای آنان است. میان جانوران و نیاکان رابطه‌ای جسمانی و روانی و دیرینه برقرار است.<sup>۴۲</sup>

ایشان معتقد بودند که ارواح نیاکان که در هیكل یک حیوان حلول کرده، ممکن است برای آنان خطرناک باشد از این جهت نذر و نیاز و احترام را لازم می‌شمردند که از خطرات در امان باشند. پس توتمیسم از همین جا ناشی می‌شود.

پریچارد که از طرفداران نظریه «وجدان جمعی» دورکیم است؛ نظریه‌های مرده‌شناسان را نقد کرده، تئوری‌های آنها را

او که در مقدمه بیان شد اصلاً هم خوانی ندارد. زیرا نویسنده در مقدمه هیچ وقت از بررسی لغوی و روش ریشه‌شناسی نام و یادی نکرده است.

۴) مطالب صفحات ۵۱، ۵۸ و ۶۴ با روش مورد نظر نویسنده هیچ‌گونه هم‌خوانی ندارد.

۵) شگفت‌آور این که نویسنده به تعریف اصطلاحات خارج از موضوع، صفحات زیادی اختصاص داده است در حالی که از اصطلاحات ضروری محبت کتاب حتی نام و یاد هم نکرده است. بخش اول و فصل اول کتاب با خلاصه نظریات صاحب‌نظران آغاز می‌شود و هیچ نشانی از اصطلاحات مربوط به ادیان قدیم و ابتدایی نیست. مؤلف در هیچ جای کتاب مراد خود را از دین ابتدایی یا قدیم و وجوه تمایز آنها با همدیگر و ادیان پیشرفته را بیان نکرده اما کتاب مملو از نظریه‌پردازی‌های مفید اما غیر ضروری است که حقیقتاً هیچ نیازی به آوردن آنها نیست. در هیچ فصلی از کتاب در حوزه ادیان ابتدایی نوشته شده، آنچه به ذهن خطور می‌کند که نویسنده حتماً از امور مقدس، باورهای مردم، آداب و رسوم، آیین‌ها و ... امروز مورد توجه، توتم، تابو، فتیش و ... است که به اصطلاحات این است که کتاب حاضر به این مباحث

تکرارهای کتاب واقعاً ملال‌آور است (بنگرید به ص ۱۴۳، ۱۹۵، ۷۶، ۱۶۲، ۹۸، ۹۹، ۱۴۳، ۱۴۴) که موضوعاتی از قبیل تعریف توتم تکرار شده است.

۳) ترتیب منطقی مطالب رعایت نشده است مثلاً تاریخچه تحقیقات مربوط به توتمیسم پس از آرایه مطالب آمده است که لازم بود جابه‌جا نوشته شوند (بنگرید به: ص ۱۴۶).

۴) در برخی از فصل‌ها شروع مطلب بسیار نامناسب و واقعاً نامربوط است و معلوم نیست مؤلف دنبال چیست و در صدد بیان چه مطلبی است؟ گویی مؤلف فیش‌هایی در اختیار داشته و می‌خواسته حتماً از آنها استفاده کند از این رو به هر شکل آنها را در دل مطالب قرار داده است. مثلاً مؤلف در فصل چهارم چنین آورده است:

«نظریه نیچریسم: مفاهیم اساسی ادیان ابتدایی (دین طبیعی) (عنوان)، تاریخچه و سابقه این نظر. (عنوان فرعی) و ... چنین آغاز می‌شود: مکتب دین طبیعی، چیزی است که در هر جامعه و با واقعیت.

پیروان مکتب‌گرایی اکثراً نژادشناس یا مردم‌شناس اند از این موضوع تحقیق آنان خام‌ترین و ابتدایی‌ترین ادیان است تاکنون شناخته است. اهمیت فوق‌العاده منسب به این مکتب مردگان، ارواح و دیوان، و تمام موجودات روحانی معنوی در مراتب و مراحل بعدی پدید آمده، از همین ابتدای تاریخ سر آورده‌اند.<sup>۲۴</sup>

درباره مطالب یاد شده چند نکته به نظر می‌رسد:  
 ۱) تا جایی که صاحب این قلم آشنایی دارد به ادیان ابتدایی دین طبیعی نمی‌گویند چه، دین طبیعی اتفاقاً از دستاوردهای انسان جدید در قرون اخیر است. معلوم نیست مؤلف چه ارتباطی میان ادیان ابتدایی و دین طبیعی پیدا کرده که آنها را این چنین به هم مرتبط ساخته است.

۲) عبارت «مکتب دین طبیعی، چیزی است کلاً متفاوت با واقعیت» به چه معناست؟ اولاً دین با مکتب مساوی نیست ثانیاً چه ربطی میان دین طبیعی یا متفاوت با واقعیت بودن وجود دارد؟ ثالثاً چه دلیلی دارد که این عبارت ناهمگون به کار رود و خواننده با هزار زحمت هم نتواند به مراد نویسنده پی‌برد؛ به علاوه آیا این عبارت نشان از دید ناروشن نویسنده به موضوع ندارد؟

۳) باید پذیرفت که فصل‌های یک و دو کتاب هیچ ضرورتی ندارد و کاملاً زاید است و به مباحث کتاب ربطی ندارد، چه، خوانندگان چنین کتاب‌هایی حتی در دوره کارشناسی واحدهای آشنایی با ادیان و اصطلاحات را گذرانده‌اند. پس دلیلی به آوردن این دو فصل نیست. مضاف بر این که مؤلف در همین فصل به بررسی لغوی برخی اصطلاحات پرداخته که با روش مورد نظر

- ۱۸- همان، ص ۱۴۴ - ۱۴۵.
- ۱۹- همان، ص ۱۴۶.
- ۲۰- همان، ص ۱۵۲.
- ۲۱- همان، ص ۱۵۳.
- ۲۲- همان، ص ۱۵۴.
- ۲۳- همان، ص ۱۰۷.
- ۲۴- همان، ص ۱۵۶.
- ۲۵- همان، ص ۱۶۱.
- ۲۶- همان، ص ۱۶۹.
- ۲۷- همان، ص ۱۷۰.
- ۲۸- همان، ص ۱۷۱.
- ۲۹- همان، ص ۱۷۲.
- ۳۰- همان، ص ۱۷۵.
- ۳۱- همان، ص ۱۷۹.
- ۳۲- همان، ص ۱۸۱.
- ۳۳- همان، ص ۱۸۳.
- ۳۴- همان، ص ۱۸۴.
- ۳۵- همان، ص ۱۸۵.
- ۳۶- همان، ص ۳.

- ۱- همان، ص ۱۴۴.
- ۲- همان، ص ۱۴۵.
- ۳- بنگرید به: همان صص ۲ - ۲۸.
- ۴- همان، صص ۲۹ - ۴۰.
- ۵- همان، ص ۷۴.
- ۶- همان، ص ۴۳ - ۴۴.
- ۷- همان، ص ۹۷.
- ۸- همان، ص ۹۸.
- ۹- همان، ص ۹۹.
- ۱۰- همان، ص ۱۰۱.
- ۱۱- همان، ص ۱۱۳.
- ۱۲- همان، ص ۱۱۵.
- ۱۳- همان، ص ۱۲۱.
- ۱۴- همان، ص ۱۳۶ - ۱۳۷.
- ۱۵- همان، ص ۱۳۹.
- ۱۶- همان، ص ۱۴۰.
- ۱۷- همان، ص ۱۴۴.